

درس هفتم عربی یازدهم تجربی و ریاضی

و درس هفتم یازدهم انسانی

مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ

مدرس: ابوالفضل مظهري ۰۹۱۱۳۷۶۷۳۰۶

الأفعال الناقصة

نواسخ کلماتی هستند که وقتی بر سر جمله‌های اسمیه می آیند ، مکم مبتدا و فبررا تخییر می دهند .

نواسخ عبارتند از :

افعال ناقصه ، حروف مشبهةٌ بالفعل ، لای نفی جنس

۱ - افعال ناقصه : که عبارتند از ((كانَ ، صارَ ، ليسَ ، أصبحَ ، ماداه ، مازالَ و ...))

وقتی بر سر جمله‌های اسمیه وارد می‌شوند تخییرات مشخص شده در زیر ایجاد می‌شود .

مبتدا + خبر --- « افعال ناقصه + اسم افعال ناقصه ومرفوع + خبر افعال ناقصه و منصوب

كَانَ عَلَى مَعْلَمًا .
 فعل ناقصه اسم كان و مرفوع خبر كان و منصوب

عَلَى مَعْلَمٍ --- «
 مبتدا و مرفوع خبر و مرفوع

مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ

كان چند معنا دارد :

۱ - به معنای « بود » ؛ مثال: كانَ الْبَابُ مُغْلَقًا . در بسته بود.

۲ - به معنای « است » ؛ مثال : * إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا * الأحزاب: ۲۴

بی گمان خدا آمرزنده و مهربان است (بوده است).

تذکر : فعل ماضی در عربی برای بیان امور متمم الوقوع، همیشگی و اوصاف

الهی استفاده می شود . در این موارد این فعل های ماضی را می توان به صورت

مضارع ، مضارع التزامی یا ماضی نقلی ترجمه کرد.

۳- کانَ به عنوانِ « فعل کمکی سازنده‌ی معادل ماضی استمراری » ؛

کانوا یَسْمَعُونَ : می شنیدند .

نکته (فِیْلِ فِیْلِ مَهْم)

کانَ + فعل مضارع --- « ماضی استمراری (... می + بن فعل ماضی + شناسه‌ها)

یَنْصُرُ (یاری می کند) --- « کانَ یَنْصُرُ (یاری می کرد)

ما کانَ یَنْصُرُ (یاری نمی کرد) - کانَ لا یَنْصُرُ (یاری نمی کرد)

کانَ یَذْهَبُ - کَانَا یَذْهَبانِ - کَانُوا یَذْهَبُونَ - کَانَتْ تَذْهَبُ - کَانَتْا تَذْهَبانِ - کُنَّ یَذْهَبْنَ
کُنْتُ تَذْهَبُ - کُنْتُمْ تَذْهَبانِ - کُنْتِ تَذْهَبینَ - کُنْتُمْا تَذْهَبانِ - کُنْتِنَّ تَذْهَبْنَ
کُنْتُ اَذْهَبُ - کُنْتُمْا نَذْهَبُ

۴ - کان به عنوان « فعل کمکی سازنده‌ی معادل ماضی بعید » ؛ مثال :

« کان الطالبُ سَمِعَ » و « کان الطالبُ قَدْ سَمِعَ » : « دانش آموز شنیده بود » .

نکته (فیل‌ی فیل‌ی مهم)

یا } کان + فعل ماضی
← ماضی بعید زبان فارسی (بن ماضی + ه + بود + شناسه‌ها)
} کان + قَدْ + فعل ماضی

ذَهَبَ (رفت) / کان « قَدْ » ذَهَبَ (رفته بود) / ما کان ذَهَبَ (نرفته بود)
کان قَدْ ذَهَبَ - کانا قَدْ ذَهَبَا - کانوا قَدْ ذَهَبُوا - کانت قَدْ ذَهَبَتْ - کانتا قَدْ ذَهَبْتَا - کُنَّ قَدْ ذَهَبْنَ
کُنْتَ قَدْ ذَهَبْتَ - کُنْتُمَا قَدْ ذَهَبْتُمَا - کُنْتُمْ قَدْ ذَهَبْتُمْ - کُنْتَ قَدْ ذَهَبْتَ - کُنْتُمَا قَدْ ذَهَبْتُمَا - کُنْتَنَّ قَدْ ذَهَبْتَنَّ
کُنْتُ قَدْ ذَهَبْتُ - کُنَّا قَدْ ذَهَبْنَا

۵- « کَانَ » بر سر « لِ » و « عِنْدَ » معادل فارسی « داشت » است ؛ مثال :

کَانَ لِي خَاتَمٌ فَضَّةٌ. انگشتر نقره **داشتم** .

کَانَ عِنْدِي سَرِيرٌ خَشَبِيٌّ. تختی چوبی **داشتم** .

کَانَ + { لِ / عِنْدَ } + اسم یا ضمیر = داشتن

✓ مضارع كانَ «يَكُونُ» به معنای «می‌باشد» و امر آن «كُنْ» به معنای «باش» است.

ماضی (كانَ - كانا - كانوا - كانتَ - كانتا - كُنَّ
كُنْتَ - كُنْتِما - كُنْتُمْ - كُنْتِ - كُنْتِما - كُنْتُنَّ - كُنْتُ - كُنَّا

مضارع (يَكُونُ - يَكُونانِ - يَكُونُونَ - تَكُونُ - تَكُونانِ - يَكُنُّ
تَكُونُ - تَكُونانِ - تَكُونُونَ - تَكُونِينَ - تَكُونانِ - تَكُنَّ - أَكُونُ - نَكُونُ

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ **كُنْ فَيَكُونُ** (یس: ۸۲)

فرمان او چنین است که هر گاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: «**موجود باش!**»، آن نیز بی‌درنگ **موجود می‌شود!**

✓ صَارَ و أَصْبَحَ به معنای « شد » هستند. مضارع صَارَ « يَصِيرُ » و مضارع أَصْبَحَ « يُصْبِحُ » است؛ مثال :

— * ... أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَةً * الْحَجَّ: ٦٣

از آسمان، آبی را فرو فرستاد و زمین سرسبز می شود.

نَظَّفَ الطُّلَّابُ مَدْرَسَتَهُمْ ، فَصَارَتِ الْمَدْرَسَةُ نَظِيفَةً.

دانش آموزان مدرسه شان را تمیز کردند و مدرسه تمیز شد.

(ماضى) صارَ - صارا - صاروا - صارتُ - صارتا - صرنا
صرتَ - صرتما - صرتُم - صرتِ - صرتُما - صرتُنَّ - صرتُ - صرنا

(مضارع) يصيرُ - يصيرانِ - يصيرونَ - يصيرُ - تصيرانِ - يصرنَ
تصيرُ - تصيرانِ - تصيرونَ - تصيرينَ - تصيرانِ - تصرنَ - أصيرُ - نصيرُ

(ماضى) أصبحَ - أصبحا - أصبحوا - أصبحتُ - أصبحتا - أصبحنا
أصبتَ - أصبتما - أصبتُم - أصبتِ - أصبتُما - أصبتُنَّ - أصبتُ - أصبحنا

(مضارع) يُصبحُ - يُصبحانِ - يُصبحونَ - يُصبحُ - يُصبحانِ - يُصبحنَ
تُصبحُ - تُصبحانِ - تُصبحونَ - تُصبحينَ - تُصبحانِ - تُصبحنَ - نُصبحُ - نُصبحُ

✓ لَيْسَ يَعْنِي «نیست»: مثال:

* ... يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ * آل عمران: ۱۶۷

با دهان‌هایشان چیزی را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و خدا به آنچه پنهان می‌کنند داناتر است.

ماضی لَيْسَ - لَيْسَا - لَيْسُوا - لَيْسَتْ - لَيْسَتَا - لَيْسْنَا

لَسْتُ - لَسْتُمَا - لَسْتُمْ - لَسْتِ - لَسْتُمَا - لَسْتُنَّ - لَسْتُ - لَسْنَا

لَيْسَ + $\left\{ \begin{array}{l} لَ \\ عِنْدَ \end{array} \right\}$ + اسم یا ضمیر = نداشت

نکته) افعال ناقصه از لحاظ مذکر و مؤنث بودن تابع اسم خود هستند .

مانند : كَانَتِ التَّلْمِيذَةُ نَشِيطَةً .

فعل ناقصه اسم کانت و مرفوع خبر کانت و منصوب
(مؤنث) (مؤنث)

نکته) خبر افعال ناقصه اگر به صورت شبه جمله آمده باشد (جار و مجرور ، ظرف) بر اسم خود مقدم می‌شود . مانند :

لَيْسَ لِلْفَرَارِ مَجَالٌ .

فعل ناقصه شبه جمله (جار و مجرور) اسم مؤخر لیس و مرفوع
خبر مقدم لیس

نکته) اگر افعال ناقصه در ابتدای جمله اسمیه‌ای بیایند که مبتدایش یک ضمیر منفصل مرفوع است، مبتدا را حذف کرده، سپس فعل ناقصه را به همان صیغه‌ی مبتدا می‌بریم و در آخر خبر را منصوب می‌کنیم. .

كَانَ + (هُـم نَاجِحُونَ .) --- « كَانُوا نَاجِحِينَ . »

مبتدا خبر و مرفوع، فعل ناقصه و اسم آن خبر کان و منصوب

رفع با «و» ضمیر بارز (و) نصب با «ی»

لَيْسَ + (هِيَ كَاذِبَةٌ .) --- « لَيْسَتْ كَاذِبَةً . »

مبتدا و مرفوع خبر و مرفوع فعل ناقصه و اسم آن خبر لیس و منصوب

ضمیر مستتر « هِيَ »

نکته) خبر افعال ناقصه از لحاظ تعداد و جنسیت با اسم خود مطابقت می کند .

أَصْبَحَ الْمُؤْمِنُونَ مُنْتَصِرِينَ . مؤمنان پیروز شدند .

فعل ناقصه	اسم أَصْبَحَ و مرفوع	خبر أَصْبَحَ و منصوب
(مفرد مذکر)	رفع با « و »	نصب با « ی »
	(جمع مذکر)	(جمع مذکر)

*اگر اسم افعال ناقصه بصورت اسم ظاهر باشد ، فعل ناقصه در ابتدای جمله بصورت مفرد (مذکر - مؤنث) می آید .

نمونه تستی : (فَلَمَّا مَاتَ ، كَانَ الْمُسْلِمُونَ قَدْ بَلَغُوا مَنْزِلَةً رَفِيعَةً فِي الْعُلُومِ .)

- ۱) پس او از دنیا نرفت مگر زمانی که مسلمانان به مقام بلندی در دانش رسیده بودند .
- ۲) پس هنگام مرگ او ، مسلمانان به جایگاه رفیعی در علوم رسیدند .
- ۳) پس او نخواهد مرد مگر این که مسلمانان به مقام بلندی در دانش برسند .
- ۴) پس هنگامی که او مرد ، مسلمانان به جایگاه بلندی در علوم رسیده بودند .

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ : تَرْجِمُ هَذِهِ الْآيَاتِ .

۱ - * وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ * مريم : ۵۵
و خانواده‌ی خود را به نماز و زکات امر می‌کرد.

۲ - * أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا * الْإِسْرَاءِ : ۳۴

به عهد و پیمان وفا کنید ، قطعاً عهد و پیمان مورد سوال است (از عهد و پیمان پرسیده می‌شود).

۳ - * ... يَقُولُونَ بِالَّذِينَ نَحْنُ بِالْعَدْوِيِّينَ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ * الْفَتْحِ : ۱۱

چیزی که در دل‌هایشان نیست با زبان‌هایشان می‌گویند.

۴ - * لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلْمُتَذَكِّرِينَ * يُوسُفَ : ۷

قطعاً در [سرگذشت] یوسف و برادرانش نشانه‌هایی برای پرسشگران است.

۵ - * وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا * آلِ عِمْرَانَ : ۱۰۳

و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید، آن‌گاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت و در سایه نعمت او با هم برادر شدید .